راهکار های ده گانه در جهت تقویت حافظه

دکتر علی مدد نوروزی، نویسنده و پژوهشگر مسائل اجتماعی و عضو کانون نویسندگان ایران

حافظه عنوانی است که در مورد توانایی انسان برای یاد گیری،نگه داری، یادآوری واستفاده از اطلاعات و دانش به کار برده می شود.بر خلاف تصور رایج،همه ی انسان ها از حافظه برخوردارند و این تصورغلط که عده ای معتقدند از حافظه و یا هوش برخوردار نیستند،امروزه از نظر علمی هیچ جایگاهی ندارد.بسیاری از افراد از حافظه ی خود ابراز نا خرسندی می کنند به ویژه زمانی که می خواهند جزئیات را یادآوری کنند اما به یادشان نمی آید.مواردی از قبیل اسم افراد،مکان ها،شماره تلفن،آدرس،زمان ملاقات کتاب هایی که خوانده اند و.... حتی افرادی که تصور می کنیم از حافظه ای قوی بر خوردارند،گاهی از فراموش کردن مطلب یا آدرس و یا چیز دیگری گلایه مندند.مثلاً می خواهند با کسی تماس بگیرند ولی نام او و یا دیگر جزئیا ت مربوط به آن شخص را فراموش می کنند.باید توجه داشت حافظه مانند یک بانک عمل می کند؛فرقی نمی کند بانک اسکناس باشد یا بانک خون.اگر شما سپرده ای در آن بانک داشته باشید،می توانید از آن برداشت کنید اما اگر سپرده ای نباشد،هنگام نیاز نمی توان از آن استفاده کرد.شاید تا کنون با افرادی برخورد کرده اید که می گویند حافظه ام ضعیف است،افتضاح است،گیجم،هیچ چیز یادم نمی ماند و یا مواردی از این قبیل.در واقع این طور نیست.حافظه ی آن ها خوب است اما راه ثبت وقایع را نمی دانند؛فقط باید مدتی وقت صرف کنند تا راه صحیح ثبت کردن وقایع را بیاموزند و بعد از آن توانایی به یاد آوردن را کسب کنند.در این مقاله سعی شده که راهکارهایی ساده و کاملاً عملی در جهت ارتقای حافظه و تقویت مهارت های یادآوری ارئه شود که عبارتند از:۱- علاقه مند باشید:علاقه نقش بسیار مهمی را در جهت تقویت حافظه و یادآوری خاطرات ایفا می کند.یادآوری مطالب،نام اشخاص،آدرس و شماره تلفن افراد و به طور کلی،یادآوری اتفاقی خاص با جزئیات مربوط به آن،به علاقه و میزان اهمیتی که ما به آن اتفاق یا جزئیات آن می دهیم،بستگی دارد.معمولاً افراد مکان ها،موضوعات و... را که برایشان جالب توجه است،بهتر به خاطر می آورند.هنگامی که مشتاق کاری باشید،بیشتر در انجام آن دقت می کنید.همچنین زمانی که به دنبال یادگیری دقیق مطلبی هستید،ماندگاری آن در ذهن شما بیشتر خواهد شد.

۲- قضاوت منطقی و ارزیابی مثبتی از حافظه ی خود داشته باشید:اگر حافظه ی خود را دست کم بگیرید و دائماً با کلمات تلقینی منفی آن را زیر سؤال ببرید،حافظه ی شما به مرور ضعیف تر خواهد شد.برعکس اگر تصور مثبتی از حافظه ی خود داشته باشید،به تقویت حافظه ی خود کمک می کنید.

۳- فنون حافظه ی برتر را فرا بگیرید:اگر از این فنون استفاده کنید،حافظه ی بهتری خواهید داشت.فنونی نظیر تمرکز کردن بر نقطه ای خاص، استفاده نکردن از لیست به هنگام خرید و یا قرار ملاقات ها،تنفس عمیق و آرام سازی ذهن قبل از استفاده از آن و...

۴- توجه خود را بیشتر کنید:اگر می خواهید چیزی را به خاطر آورید،بیشتر به آن توجه کنید.مشکل از حافظه نیست،مشکل ممکن است از عدم توجه و یا توجه سطحی باشد.افرادی که از حافظه ی خوبی برخوردارند به اتفاقاتی که روی می دهد توجه بیشتری دارند.سطح علاقه و اهمیتی که به شخص یا رویدادی اختصاص می دهیم،نشان دهنده ی میزان توجه ما به آن است.

۵ - از غذاهایی استفاده کنید که تقویت کننده ی حافظه است:امروزه اهمیت استفاده از مواد غذایی مقوی حافظه برهیچ کس پوشیده نیست.غذاهایی مانند انواع مغزها(گردو،پسته،فندق و...)، غذاهایی که سرشار از مواد قندی طبیعی می باشند مانند خرما و کشمش،انواع میوه ها به ویژه موز، انجیر،انگور و...،دانه ها مانند سویا،شاهدانه و به ویژه کنجد که به دانه ی معجزه گر معروف است.

۶- به یاد داشته باشید که حافظه یک فرآیند فعال است:توجه مضاعف شما، مشاهده ی جزئیات بیشتر،تفکر بیشتر درباره ی یک رویداد،درک ارتباط بین آنچه که می دانید،آنچه سعی می کنید بیاموزید و آنچه به خاطر می سپارید و قادرید آن را به یاد آورید،همگی فرآیند فعال محسوب می شوند.حافظه ی خوب حالتی از ذهن فعال است.

۷- از راه های حسی مورد علاقه ی خود استفاده کنید:برخی با دیدن،چیزی را بهتر به خاطرمی آورند،یعنی "حافظه ی تصویری"خوبی دارند و برخی دیگر با شنیدن،بهتر به خاطر می آورند،یعنی "حافظه ی شنیداری"در آن ها قوی تر است.اگر با گوش دادن چیزی را بهتر به خاطر می آورید،به جای خواندن کتاب ها و جزوه های آموزشی،CD یا برنامه های صوتی آن ها را گوش دهید.۸- به خاطر بسپارید ذهن آرام به حافظه کمک می کند: با ذهن آرام بیاموزید.موارد آموخته را با ذهن آرام باز خوانی کنید.برای مثال اگر کلید ماشین را جا گذاشته اید،به جای آشفتگی،سعی کنید خود را آرام و با خونسردی اتفاقات را مرور کنید.در این صورت احتمال به یاد آوردن بیشتر می شود.

۹- افسردگی را کنترل کنید:افسردگی،علاقه و لذت بردن از اتفاقاتی که ما را احاطه کرده اند را تضعیف می کند در نتیجه در افراد افسرده،انرژی کمی برای یادآوری باقی می ماند.

۱۰-اضطراب را کاهش دهید:اضطراب ملایم سبب افزایش علاقه و توجه می شود،اما افزایش اضطراب ممکن است به تضعیف توجه و تمرکز منجر شود و به خاطر آوردن مواد آموخته شده را محدود کند.اگر خیلی مضطرب باشیم،در حین امتحان آن چه را که به خوبی آموخته بودیم از یاد خواهیم برد.در حقیقت حافظه ی شما بسیار خوب است،اما اضطراب آن را دچار اختلال می کند.مدیریت اضطراب امتحان،به بسیاری از دانش آموزان در پاسخ دهی به آزمون کمک کرده است.

بکّه؛ پژوهشی پیرامون، کعبه و حج

محمد رجبی

قسمت نهم و آخر

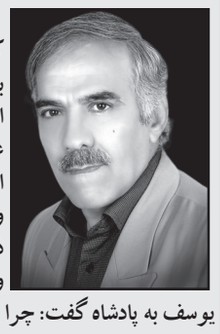

"ازعبدالله بن عمر روایت کرده اند که ذبح اسماعیل بود!ابن عباس گفته است که اسماعیل بود!

عامر نیز روایت کرده که ذبح اسماعیل بود! ابن سابط وابوالهذیل آورده اند که ذبیح اسحاق بود،

و از[قرآن] آورده اند که یوسف به پادشاه گفت: چرا نخواهی با من غذا خوری؟ بخدا من یوسف پسر یعقوب رسول الله، پسر اسحاق ذبیح‌الله ، پسر ابراهیم خلیل الله هستم!

ابن عباس در روایت دیگری آورده: ذبیح اسماعیل بود ویهودی ها که گفته اند: ذبیح اسحاق بود، دروغ است!

ابن اسحاق گوید: اسماعیل بود ، چون قرآن بشارت داده که از اسحاق به یعقوب مژده دادیم ، خدا که از پسر اسحاق بشارت داده بود ؛ به قربان کردن او فرمان نمی داد."(طبری ۲۰۳/۱) [این حدیث آگاهی خدا به آینده را نفی می کند!]

" عمربن عبدالعزیز، از یک نو مسلمان یهودی پرسید : کدامیک بود؟ اسماعیل یا اسحاق ؟ یهودی گفت: بخدا ای امیر مؤمنان ؛ اسماعیل بود! ویهودیان نیز دانند ولی با شما عربان حسد ورزند!" (طبری ۲۰۳/۱)

" درقرآن هرجا سخن از بشارت پسرهست، اسحاق است، آنجا که فرمود: وزنش ایستاده بود ویخندید واو را به اسحاق بشارت دادیم واز اسحاق به یعقوب اورا به پسری دانا بشارت دادند و زنش به صورت خود زدو گفت: پیری نازایم ، وهمه جا سخن مژده ی پسراز ساره هست! و در این آیه گوید : اورا به غلامی خردمند بشارت دادیم ونیز مانند دیگر آیات قرآن مقصود پسر ساره باشد و گفته اند: خداوند پیش از تولد اسحاق به یعقوب بشارت داده بود." (طبری ۱۰۵/۱)

وقتی خدا عزوجل فرمان داد که ابراهیم پسر خود را قربان کند، شیطان گفت: اگر در این مورد خاندان ابراهیم را فریب ندهم ؟ هرگز کسی از آنها را فریب دادن نتوانم! وبه ضورت مردی در آمد که او را می شناختند، وقتی ابراهیم اسحاق را می برد، پیش ساره آمد و گفت : ابراهیم صبحگاه اسحاق را کجا برد؟ ساره گفت : دنبال کاری رفتند ! شیطان گفت : به خدا او را برای این نبرد، وی را برد که قربان کند، ساره گفت : چنین نیست ، وی پسرخود را قربان نمی کند، شیطان گفت : به خدا قسم چنین است ، ساره گفت : بهتر است که فرمان خدا را اجابت کند، وشیطان از پیش ساره برفت تا به اسحاق رسید و گفت : صبح زود پدرت تو را کجا می برد؟ اسحاق گفت : برای کاری می رویم ، شیطان گفت : تورا می برد که قربان کند! اسحاق گفت : برای چه؟ گفت : خدایش فرمان داده ، اسحاق گفت : اگر فرمان خداست باید اطاعت کند! وشیطان سوی ابراهیم رفت وگفت : او را کجا می بری؟ ابراهیم گفت: برای کاری می‌برم ، شیطان گفت : می بری قربان کنی؟ پنداری خدایت فرمان داده؟ ابراهیم گفت: اگر خدا فرمان داده باشد چنین خواهم کرد.(طبری ۲۰۱/۱)

"ازابن عباس روایت کرده اند : که وقتی جبرئیل ساره را بشارت داد واو شگفتی کرد! جبرئیل چوب خشکی میان دو انگشت گرفت که بجنبید وسبز شد ، وابراهیم گفت: بنابراین قربان خدا خواهد بود؛ وچون اسحاق بزرگ شد ابراهیم خواب دید که گفتند: به نذر خویش وفا کن و او به اسحاق گفت : بیا برویم برای خدا تو را قربان کنم، اسحاق گفت : آنچه را فرمان داری کار بند که مرا صابر خواهی دید! مرا محکم ببند که دست و پا نزنم ؛ وکاردرا به سرعت بر گلویم بکش که مرگ آسانتر شود ؛ وچون پیش ساره برگشتی بدو سلام برسان ؛ ابراهیم او را بوسیدن گرفت و همی گریست و دست و پایش ببست و کاردرا به گلوی او کشید و خدا عزوجل صفحه ی مسی برحلق اسحاق کشید، وخدا فرمود : تسلیم شدند ، [به ابراهیم گفت] : بنگر و قوچی آنجا بود که او را بگرفت و پسر را رها کرد. (۲۰۶/۱)

درباره ی اسماعیل همان روایت اسحاق تکرار شده ، با این تفاوت که خدا کاردرا وارانه کرد و ندا آمد که ای ابراهیم : خواب تو راست شد ؛ این ذبیحه تو راست که به فدای پسر قربانی کنی وقوچی که چهل پاییز در بهشت چریده بود ، و ابراهیم پسر را رها کرد و بدنبال قوچ تا "جمره ی اولی" رفت وهفت سنگ بدو زدو رها کرد تا به "جمره ی میانه" رسید وهمین طور تا "جمره ی بزرگ"، آنگاه قوچ را در "منا" برد وسر برید ؛ ابن عباس قسم می خورد که تا آغاز اسلام، سرخشکیده قوچ و دو شاخ آن بر ناودان کعبه آویخته بود.(۲۰۹/۱)

ابن عباس گوید: قوچی که ابراهیم سر برید همان قوچی بود که فرزند آدم قربان کرد و ازاو پذیرفته شد!

"سعید ابن جبیر" گوید: قوچی که ابراهیم سر برید، چهل سال در بهشت چریده بود، برخی هم گفته اند: ذبیحه ی اسماعیل ، بز کوهی بود، واین تا رستاخیز ادامه دارد و دانند که ذبیحه از مرگ جلوگیری می کند ، پس ای بندگان خدا قربان کنید.(طبری جلد۲۰۹/۱)

در تورات و انجیل ، ذبیح اسحاق است و دلیل آن بی حرمتی به خانواده یعنی ؛ هاجر و اسماعیل است که ابراهیم ، برای رضایت سارا به آن کارتن می دهد!

" خداوند ابراهیم را آزمود و به وی چنین گفت: اینک فرزند خویش را برگیر، پسر خودت اسحاق را از همسرت، ارا که به او عشق می ورزی و به سوی کوه "مرایه" (تپه ای درقسمت مرکزی فلسطین ، شرق اورشلیم) روانه شو و او را در آنجا قربانی ." (تورات، سِفرتکوین ۲۲۰۱ ، امتحان و وسوسه کگارد)

" هنگامی که ابراهیم مغموم و متألّم و اسحاق در کنار او سواره پیش می رفتند ، لحظه ای ابراهیم چشمانش را باز کرد و از دور کوهی را در "مرایه" دید، ستوران را پشت کوه رها کرده و تنها با اسحاق از کوه بالا رفتند، آرام و بی‌صدا هیزم جمع کردو آرام چاقو را در آورد، در این هنگام چشمش به گوسفندی که خدا معیّن کرده بود افتاد، گوسفند را قربانی کردو به خانه باز گشتند." (انجیل لوقا، سفر تکوین ۲۲۰۳)

" این ایمان بود که سبب شد ابراهیم این وعده را بپذیرد که همه ی ملل زمین باید از ذرّیه او برکت گیرند"

(کتاب مقدس، پیشین)

منابع :

- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه، قاسم پاینده، انتشارات اساطیر،۱۳۵۲
- حمیدی، جعفر، تاریخ اورشلیم، انتشارات سپهر، تهران ۱۳۶۴
- شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، نشردانشگاهی، تهران ۱۳۶۵
- لوی، حبیب، تاریخ یهود درایران، تهران ۱۳۳۴
- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام،انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷
- امام خمینی، توضیح المسائل،
- سرزمین نور سازمان حج وزیارت، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹
- فاتحی ، پروین، معراج پیامبر(ص) انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۸۸
- سبحانی ، جعفر، گزیده تاریخ زندگی پیامبراکرم (ص) پژوشکده قران وعترت ، تهران ۱۳۹۲
- کی یرکگارد، سورن ، ترس و لرز، حوزه هنری ۱۳۷۳ تهران.

آگهی حصر وراثت

آقای مهدی فلاحتی فرزند فرهاد دارای شناسنامه شماره ۱۰۲۷۶ متولد ۱۳۵۶/۴/۱ صادره از شیراز به شرح دادخواست به کلاسه از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فرهاد فلاحتی به شناسنامه ۳ در تاریخ ۹۴/۶/۲۰ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- زهره فلاحتی به شماره شناسنامه ۱۹۰۶ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۲- منصور فلاحتی به شماره شناسنامه ۲۲۳ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۳- حمیده فلاحتی به شماره شناسنامه ۱۱۰۶ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۴- مهدی فلاحتی به شماره شناسنامه ۱۰۲۷۶ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۵- ابوالفضل فلاحتی به شماره شناسنامه ۲۶۴۴ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۶- علیرضا فلاحتی به شماره شناسنامه ۸۵۰ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۷- سارا فلاحتی به شماره شناسنامه ۱۴۸۲ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۸- محمدرضا فلاحتی به شماره شناسنامه ۲۶۸۱ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۹- حسین فلاحتی به شماره شناسنامه ۹-۰۱۴۵۵۲-۲۲۸ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۱۰- حسن فلاحتی به شماره شناسنامه ۴-۰۷۹۷۸۴-۲۲۸ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی ۱۱- خدیجه بیرخ پناه نبادان به شماره شناسنامه ۱۳۳۱/۲/۱۰ صادره از حوزه ابرکوه همسر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۲۷/م الف ۱۸۶۹۰/۸۶۰۵

رئیس شعبه ۳۳ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ بنی هاشمی

آگهی حصر وراثت

۱۸۶۸۹/۸۶۰۴

آقای منوچهر محمدی دارای شناسنامه شماره ۳۱ متولد ۱۳۴۰به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴۰۴۵۱از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامرضا محمدی به شناسنامه ۱۰۰ در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۵ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر منوچهر محمدی فرزند متوفی۲- حسین محمدی به شماره شناسنامه ۳۲ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی ۳- عطری گل محمدی به شماره شناسنامه ۱۵۷۸ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی ۴- سروگل محمدی به شماره شناسنامه ۱۴۳۱ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی ۵- زیبا محمدی به شماره شناسنامه ۲ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی ۶- زیور محمدی به شماره شناسنامه ۲۷۸ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی ۷- الهه محمدی به شماره شناسنامه ۲۳۰۹ صادره از حوزه کنارتخته فرزند متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۲۶/م الف **رئیس شعبه ۴۰ شوراهای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ شیراز**

آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۴۰۴۶۲ شعبه ۱۲ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲ شیراز آقای فرزاد قناعتیان فرزند علی محمد به موجب شکایت اسماعیل فهندژ به اتهام تحصیل مال نامشروع تحت تعقیب قرار دارد. با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او، طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مراتب یک نوبت در روزنامه طلوع آگهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می شود. پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.۱۷۰۳۵/م الف

۱۸۶۹۹/۸۶۰۹ **بازپرس شعبه ۱۲ دادسرای ناحیه ۲ شیراز**

آگهی حصر وراثت

آقای ۱-حسن کنعان نژاد دارای شناسنامه شماره ۸۶۵۵۹ متولد ۱۳۱۰ و ۲- کفایت سرکوبی دارای شناسنامه شماره ۱۳۱۸ متولد ۱۳۱۹به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴۰۴۵۴ ش ۴۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مجید کنعان نژاد به شناسنامه ۵۱۸ در تاریخ ۹۴/۳/۲۸ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر حسن کنعان نژاد پدر متوفی۲- کفایت سرکوبی به شماره شناسنامه ۱۳۱۸ صادره از حوزه شیراز مادر متوفی ۳- زهرا کنعان نژاد به شماره شناسنامه ۲۲۸۲۰۴۲۳۱۱ صادره از حوزه شیراز فرزند متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۴۴/م الف

۱۸۶۷۸/۸۵۹۸ **رئیس شعبه ۴۰ شوراهای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ شیراز**

آگهی حصر وراثت

خانم ماه سلطان منصور آبادی دارای شناسنامه شماره ۳ متولد ۱۳۴۰به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴۰۳۸۴از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین علی منصور آبادی به شناسنامه ۱ در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر ماه سلطان منصور آبادی به شماره شناسنامه ۳ از حوزه شیراز دختر متوفی

۲- گلستان گلستانی به شماره شناسنامه ۱ صادره از حوزه شیراز همسر متوفی ۳- محمدرضا منصور آبادی به شماره شناسنامه ۲۳۰ صادره از حوزه شیراز پسر متوفی ۴- طیبه منصور آبادی به شماره شناسنامه ۲۵۲۶صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۵- فاطمه منصور آبادی به شماره شناسنامه ۲۴۸صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۶- پروانه منصور آبادی به شماره شناسنامه ۱۰۳۶۹۴ صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۷- مرضیه منصور آبادی به شماره شناسنامه ۱۸۹۶۲صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۸- راضیه منصور آبادی به شماره شناسنامه ۲۳۲۸۱ صادره از حوزه شیراز دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۴۳/م الف ۱۸۷۰۱/۸۶۰۶

رئیس شعبه ۳۸ مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره دو شیراز

آگهی حصر وراثت

آقای محمد صادقی دارای شناسنامه شماره ۴۷۱۲۷۰۴۴۱۱ متولد ۱۳۴۴/۹/۱۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴۰۳۲۴ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فرج صادقی به شناسنامه ۱۱۸۱ در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۳ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر محمد صادقی به شماره شناسنامه ۴۷۱۲۷۰۴۴۱۱ صادره از حوزه بحرین پسر متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۴۲/م الف

۱۸۷۰۰/۸۶۰۷ **رئیس شعبه ۳۸ مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره دو شیراز**

آگهی حصر وراثت

خانم سودابه شجاعیان دارای شناسنامه شماره ۴۸۹۰ متولد صادره از شیراز به شرح دادخواست به کلاسه از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان امان ا... شجاعیان به شناسنامه ۲۳۷ در تاریخ ۹۴/۶/۱۴ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- ایران زارع خفری به شماره شناسنامه ۱ صادره از حوزه ممسنی همسر متوفی

۲- کورش شجاعیان به شماره شناسنامه ۷۷۸۷ صادره از حوزه ممسنی پسر متوفی ۳- شهرام شجاعیان به شماره شناسنامه ۶۷۵ صادره از حوزه شیراز پسر متوفی ۴- امین شجاعیان به شماره شناسنامه ۱۱۱۹۴ صادره از حوزه ممسنی پسر متوفی ۵- داریوش شجاعیان به شماره شناسنامه ۱۰۵۱۱۵ صادره از حوزه شیراز پسر متوفی ۶- طاهره شجاعیان به شماره شناسنامه ۵۶۶ صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۷- هاجر شجاعیان به شماره شناسنامه ۲۸۵ صادره از حوزه شیراز دختر متوفی ۸- سودابه شجاعیان به شماره شناسنامه ۴۸۹۰ صادره از حوزه شیراز دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی مینماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت، وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.۱۷۰۳۶/م الف ۱۸۶۸۱/۸۶۰۸

رئیس شعبه ۳۳ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ بنی هاشمی

دادنامه

شماره بایگانی: ۹۴۰۲۴۸

پرونده کلاسه ۹۳۰۹۹۸۷۱۶۷۰۰۰۸۰۶ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر سپیدان(۱۰۱ جزایی سابق) دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۷۱۶۶۲۰۰۵۹۷

شاکی: آقای عبدالوهاب معارف فرزند بهرام با وکالت آقای علی کریمی فرزند باهو به نشانی سپیدان- اردکان جنب دادگستری دفتر وکالت

متهم: آقای محمدحسین دفاعی نیک فرزند سپهدار به نشانی مجهول المکان

اتهام: فروش مال غیر

گردشکار: به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۱ در وقت فوق العاده، جلسه شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان سپیدان به دادرسی امضاکننده ذیل تشکیل و پرونده فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به مجموع اوراق و محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان، به شرح ذیل، مبادرت به صدور رای می کند.

رای دادگاه

درخصوص اتهام آقای محمدحسین دفاعی نیک فرزند سپهدار(بدون ذکر سایر مشخصات) دایر بر فروش مال غیر نسبت به یک دستگاه نیسان به شماره ۹۳۸- ایران ی ۱۲-۷۳ موضوع کیفرخواست شماره ۹۴۱۰۴۳۷۱۶۶۰۰۰۰۸۱ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب بهبهان و شکایت آقای عبدالوهاب معارف با وکالت آقای علی کریمی بدین شرح که وکیل شاکی اظهار داشته متهم خودرو مذکور را به امانت از موکل وی تحویل گرفته و آن را به ثالث انتقال داده است دادگاه نظر به اینکه حسب اظهارات شهود محتویات پرونده خودرو به امانت به متهم تحویل شده ولی دلیلی بر انتقال آن از سوی متهم بر ثالث وجود ندارد لذا اتهام متهم را خیانت در امانت تلقی و اتهام وارده را با عنایت به اظهارات شهود و دفاعیه نماینده دادسرا در محضر دادگاه محرز تشخیص و مستندا به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی متهم را به تحمل دوسال حبس محکوم می نماید رای صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این مرجع و ظرف بیست روز پس از آن قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان فارس می باشد.۲۰۷/م الف

۱۸۶۹۶/۸۶۱۲ **رییس شعبه یکصدو یکم دادگاه کیفری ۲ شهرستان سپیدان**

دادنامه

کلاسه پرونده: ۹۴۰۱۴۵ ش ۳۸ شماره دادنامه: ۳۱۳- ۹۴/۶/۳

تاریخ رسیدگی: ۹۴/۵/۳۱ مرجع رسیدگی: شعبه ۳۸ مجتمع شورای حل اختلاف شماره ۲

خواهان: سکینه بیگم خیمه کبود به نشانی شیراز باهنر جنوبی کوچه ۸/۲ پلاک ۳۴۱ کد پستی ۷۱۷۷۹۱۳۵۳۹

خوانده: عبداله شکوه به نشانی شیراز بلوار سامان بلوار شهدای محیط بان ۱۶ متری شهید جهانخواه کوچه ۱۲ شهید حیدر جهانخواه‌قطعه ۱۶۷ نزدیک سوپری سید کوچه ۱۲ شهید حیدر جهانخواه کد پستی ۷۱۶۹۷۴۱۹۶۱

خواسته: مطالبه گردشکار: به تاریخ ۹۴/۵/۳۱ در وقت فوق العاده شعبه ۳۸ پرونده کلاسه فوق تحت نظر قرار دارد باتوجه به محتویات آن ختم دادرسی اعلام و به شرح ذیل اقدام به صدور رای می گردد.

رای قاضی شورا

درخصوص دعوی خواهان خانم سکینه بیگم خیمه کبود فرزند سیدبمانعلی به طرفیت خوانده آقای عبداله شکوه فرزند ابراهیم به خواسته مطالبه مبلغ سی میلیون ریال بابت اجور معوقه مطالبه اجرت المثل ایام تصرف خوانده مازاد بر مدت اجاره به انضمام هزینه های دادرسی به شرح دادخواست تقدیمی مورخ ۹۴/۳/۲۶ با توجه به دعوی مطروحه، محتویات پرونده از جمله کپی مصدق قرارداد مورخ ۹۳/۳/۲۱ که طبق آن خواهان یکباب منزل واقع در شیراز شهرک فرهنگیان حجت آباد ۱۶ متری اول کوچه ۱۲ قطعه ۱۶۷ از تاریخ ۹۳/۳/۲۵ تا تاریخ ۹۴/۳/۲۵ با اجاره بهاء ماهیانه مبلغ پنج میلیون ریال به خوانده اجاره داده که مدت اجاره منقضی شده و مورد اجاره تخلیه نشده و حسب بند ۱۴ ماده ۶ اجاره نامه در صورت استفاده مستاجر از مورد اجاره مازاد بر مدت مقرر در قرارداد، خوانده باید روزانه مبلغ چهارصدهزار ریال به عنوان اجرت المثل به موجر(خواهان) بپردازد که این مبلغ مورد توافق اصحاب دعوی در قرارداد بوده و نسخه ای از دادخواست و ضمائم آن جهت خوانده ارسال و نسبت به دعوی ایراد و دفاعی به عمل نیاورده است و با عنایت به نظریه ی مشورتی اعضای شورا به شرح صورت جلسه مورخه ۹۴/۵/۱۸ دعوی خواهان ثابت و وارد تشخیص داده و به استناد مواد ۱، ۳، ۵، ۱۱(بند اول)، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۱ قانون شوراهای حل اختلاف و مواد ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۱، ۴۸، ۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۸۳، ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۹۰، ۴۹۴ قانونی مدنی رای بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ سی میلیون ریال بابت اجور معوقه مبلغ دو میلیون ریال بابت اجرت المثل از تاریخ ۹۴/۳/۲۶ تا تاریخ ۹۴/۳/۳۰(زمان صدور دستور تخلیه مورد اجاره) و روزانه مبلغ چهارصد هزار ریال از تاریخ ۹۴/۳/۳۱ تا زمان تخلیه مورد اجاره و مبلغ چهارصد و هفتاد هزار ریال هزینه های دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می گردد. رای صادره به جهت ابلاغ واقعی اخطاریه خوانده حضوری و پس از ابلاغ رونوشت آن ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر خواهی در شعب محاکم محترم عمومی حقوقی شیراز می باشد.۱۷۰۲۸/م الف

۱۸۶۹۷/۸۶۱۱ **قاضی شعبه ۳۸ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ شیراز**

آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۴۰۱۹۷ شعبه ۱۲ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲ شیراز آقای منصور سلیمانی آزاد کدملی ۵۲۹۹۸۱۶۳۴۰ به موجب شکایت جمشید گشتی به اتهام خیانت در امانت تحت تعقیب قرار دارد. با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او، طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مراتب یک نوبت در روزنامه طلوع آگهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می شود. پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.۱۷۰۳۳/م الف

۱۸۶۹۸/۸۶۱۰ **بازپرس شعبه ۱۲ دادسرای ناحیه ۲ شیراز**